

محمد حسین مدل

۱

همیشه
گفتنِ چیزی
نگفتنِ چیزی است

سفر می‌کنم
سفر به سیاه
سفید

سرخ
در پی حرفی
که شروعی باشد برای گفتنِ چیزی

خودم را سبکتر می‌کنم
از ظرفِ تن
تا لایقِ حرفی شوم
و نگفتنِ چیزی را
بهانه‌ای
برای گفتنِ چیزی.

۲

در وقت نیامده
زیبائی
پر پر بیدائی
می آید

وقت نیامده
بر لب ما می رود
رفته‌ی زیبائی را
نگاه خواهد کرد
و لب‌های نیامده
آنوقت
زیبائی را
بر وقت‌های ما می‌ریزند و ما
بیدار می‌شویم.

گریه بنویسم و بخوانم
بخند بر خارهای در راه
که زخم می کنند حتی
غم وقت هایم را

سیرم دیگر از
راه که می رفتم با دلخوشی هایم

بنویسم بخواب و
خم نشوم
به هیچ بالینی.

حرفی از گلویم
جایی که شأنِ تو آنجا
سکوتِ تماشا است

و گلوی بی‌خبر
می‌برد از یاد
رگ را و نبض را

که بی تو آنجا
مجرای است
برای خواب

مجرای صدا
محرابِ حرفِ من
برای حرفی از تو

از گلویم
آه
با گلویم
شنیدن آه
و در گلویم
آهِ منتظر تویی.